

نهضت جنوب

۱۳۲۴-۱۳۲۵ هجری شمسی

فاطمه نجفی کشکولی

دبیر تاریخ شیراز

مقدمه

عشایر فارس به رهبری خوانین ایل قشقایی در تابستان سال ۱۳۲۵ ه. ش جنبشی علیه دولت مرکزی تدارک دیدند که به «نهضت جنوب» معروف است. «نهضت جنوب»، مدت کوتاهی، از اواخر شهریور ماه تا اواخر مهر ماه ۱۳۲۵ ه. ش، ادامه داشت که در نهایت با امضای توافق‌نامه‌ای ما بین مأموران حکومتی مستقر در شیراز و سران ایل قشقایی، خاتمه یافت. در این مقاله به بحث پیرامون رهبران و گردانندگان این جنبش می‌پردازیم.

نقش عوامل حکومتی و نظامی

عوامل متعددی در ایجاد این جنبش نقش داشت که از جمله، تشکیل کابینه‌ی ائتلافی به وسیله‌ی قوام السلطنه نخست‌وزیر - بود که وی در ترمیم کابینه‌ی خود، سه تن از اعضای حزب توده را پُست‌های وزارت داده بود. دلیل دیگر، مسئله‌ی آذربایجان، یعنی غائله‌ی دموکرات‌های آذربایجان به رهبری سیدجعفر پیشه‌وری بود که چون آن‌ها توانسته بودند در اثر مخالفت خود با دولت - که با حمایت همه‌جانبه و آشکار روس‌ها صورت می‌گرفت - به یک رشته امتیازات دست یابند؛ عشایر فارس نیز به انگیزه‌ی دست یافتن به مزایایی مشابه، دست به قیام زدند. برخی از منابع معتقدند که قوام خود در راه‌اندازی این جنبش نقش داشت زیرا، می‌خواست از این طریق هم روس‌ها را از ایران اخراج کند و هم، به غائله‌ی آذربایجان خاتمه دهد. برخی نیز معتقد به

همکاری و هدایت دولت بریتانیا - در رقابت با شوروی آن زمان، در راه‌اندازی و تداوم این نهضت هستند
برخی از منابع عقیده دارند که تعدادی از دولت‌مردان آن

زمان، در پیدایی و توسعه‌ی قیام فارس نقش داشته‌اند و حتی در مرتبه‌ای بالاتر، برخی معتقد به نقش شاه و دربار در قیام فارس هستند. کتاب «گذشته چراغ راه آینده است» مطلبی از قول روزنامه‌ی استخر، چاپ شیراز، که مدیر آن نیز از هواداران نهضت بوده است؛ آورده و می‌نویسد: نهضت فارس به دستور اعلیحضرت شاه بوده است... این‌ها، تمام نقشه‌ای است و صورتی است که کلمه به کلمه و جزء به جزء و قدم به قدم، از ملاحظه‌ی ذات مقدس همایونی گذشته و به موقع اجرا و نمایش درآمده... [جامی، ۴۳۲]

سرهنگ غلامرضا نجاتی نیز می‌نویسد: «نهضت جنوب، ساخته و پرداخته‌ی شاه و ستاد ارتش و همکاری چند تن از افسران وابسته به دربار، فئودال‌ها و عمال انگلیسی، برای کوبیدن فرقه‌ی دموکرات آذربایجان و حزب توده، سازمان داده شده بود. [نجاتی، ۶۵]. نجاتی همکاری تمامی این عوامل را در کنار هم، به هدف سرکوبی قیام پیشه‌وری و کاستن از نفوذ روزافزون حزب توده که

اینک، سه نفر از رهبران آن، پست‌های وزارتی کابینه‌ی ائتلافی قوام السلطنه را در اختیار داشتند؛ قلمداد می‌کند. ابوترابیان، نویسنده‌ی کتاب «مطبوعات ایران» نیز عقیده دارد که شاه در جنبش جنوب نقش داشته است: «...غائله‌ی فارس... با توطئه‌ی مشترک شاه و قوام و جرج آلن [سفیر آمریکا] و با همکاری مستقیم عوامل انگلیسی ایجاد شد.» [ابوترابیان، ۱۹۹]

شخص دوم مملکت در آن زمان، نخست‌وزیر ایران - قوام السلطنه - بود که منابع متعددی نیز اشاره به تأثیر و نقش وی در شکل‌گیری و هدایت نهضت فارس کرده‌اند: «... به هر ترتیب، این ترفند قوام السلطنه در مورد دموکرات‌ها بود.» [پسیان، ۱۳۲] و در منبعی دیگر آمده است: «... برخی معتقدند قوام ماجرای فارس را به وجود آورد تا از آن برای آذربایجان نتیجه‌گیری کند.» [عاقلی، ۱۳۲]

وارسته، استاندار وقت اصفهان را نیز از کسانی می‌دانند که در شکل‌گیری اتحاد بین قشقایی‌ها و بختیاری‌ها نقش مؤثر



داشته است و از عوامل نهضت محسوب می‌گردد [تفرشی، ۱۵۱] نویسنده‌ی دیگری می‌نویسد که سرهنگ حجازی - فرمانده لشکر خوزستان - هم در اتحاد ایلات و هم در توسعه‌ی قیام اثرگذار بوده است. [جامی، ۴۳۱]

برخی دیگر معتقدند که سرتیپ همت - معاون لشکر فارس و همچنین عمادالسلطنه فاطمی - استاندار فارس - در قیام فارس سهیم بوده‌اند. «... آقای عمادالسلطنه فاطمی، والی فارس و تیمسار سرتیپ همت، معاون فرماندهی لشکر... در مسیر وقایع قرار داشتند و از فعالیت پشت پرده، بی‌اطلاع نبودند. [شفیعی، ۱۱۰]» و دیگر این‌که، «طبق دستور سرتیپ همت و سرتیپ سیاه‌پوش، سربازها حق خروج از پادگان خود را نداشتند.» [قهرمانی ایبوردی، ۴۰۸]

عوامل محلی الف - ایلات و عشایر

به هر روی، نقش مؤثر محمدناصرخان صولت قشقایی و برادران وی در نهضت جنوب، غیر قابل انکار است، چون آنان گردانندگان و رهبران اصلی قیام بودند که با ایلات مجاور خود متحد شدند و نهضت عشایری فارس را ایجاد نمودند. در کتاب «ایران بین دو انقلاب» آمده است «آغازگر این شورش، ناصر قشقایی بود.» [آبراهامیان، ۲۸۹]

محمود طلوعی معتقد است که در رأس این شورش، برادران قشقایی قرار داشته‌اند. [طلوعی، ۷۰ - ۵۶۹] در کتاب «معماران عصر پهلوی» آمده است: «محمدناصر قشقایی... در اواسط سال ۱۳۲۵ هم... نهضت جنوب را برپا داشت.» [پسیان و...، ۱۲۹] ابراهیم صفایی در این مورد نوشته است: «... در فارس «ناصر قشقایی» و «خسرو قشقایی»، «محمدحسین قشقایی» و «ملک منصور قشقایی»... و گروهی از

سران تیره‌های «بویراحمدی» و «ممسنی» و «دشمن زیاری»... موجودیت «نهضت مقاومت جنوب»... را اعلام نمودند.» [صفایی، ۸۵]

اینک بینیم سران ایلات متحد با قشقایی‌ها چه کسانی بودند. نورزاده‌ی بوشهری می‌نویسد «چون بین عشایر فارس از قدیم اختلافات وجود داشت، سران قشقایی برای عملی کردن این نهضت، کوشیدند این اختلاف و نفاق محلی را از میان بردارند که رؤسای ایلات با هم متحد و متفق شوند. تجمع سران عشایر، از جمله حسینقلی رستم ممسنی، محمدحسین و ناصر طاهری بویراحمدی و سایر خوانین فارس؛ برای اجرای این نقشه بود.» [نورزاده‌ی بوشهری، مقدمه]

سران ذکر شده در بالا، اقداماتی را نیز در اوایل کار انجام دادند، از جمله «... تهاجمات خود را سریعاً آغاز کردند. از جمله پل دختر که به بلوک ممسنی اتصال داشت، از طرف متجاسرین منهدم شد که قوای نظامی نتوانند از شیراز وارد بلوک ممسنی شوند. پاسگاه‌های شول و گلستان، بدو از طرف حسینقلی رستم و همچنین پاسگاه‌های دوکوهک و گوئیم، به‌وسیله‌ی اشرار دشمن زیاری به سرکردگی آقاخان و باباخان و پاسگاه‌های میان کتل و... نیز به‌وسیله‌ی منوچهر ابوالوردی محاصره... طایفه‌ی چهارراهی به سرکردگی محمد خزاعی، دهستان نی‌ریز را محاصره و اموال مردم آن‌جا را غارت کردند.» [همان، ۲۰ - ۱۹]

رزمجویی در معرفی رؤسای ایل بویراحمدی می‌نویسد «... قشقایی‌ها و قسمتی از ممسنی‌ها به کازرون حمله کردند. بویراحمد و دشمن زیادی و جاوید، به منطقه‌ی شیراز، سیاه‌پور و چند نفر از تفنگچی‌های جلیل ملا بهمن، ملا خسرو، ملا پرویز، ملا فرار و گروهی تفنگچی وابسته به کل قلندری‌ها، همراه

دشمن زیادی‌ها به روستای گویم حمله کردند...» [رزمجویی، ۱۶۹]

ب - سران محلی

مدیران جراید استخر و گلستان - آقایان استخر و گلستان - نیز از عاملان و گردانندگان نهضت فارس به‌شمار آمده‌اند.



[نورزاده بوشهری، ۱۳] متنفذین شیراز و رؤسای اصناف و سایر معتمدین آن شهر نیز در زمهری عاملین نهضت بوده‌اند. ... خسروخان عصر جمعه، ۲۹ شهریور، در چنار راهدار، سه فرسخی شیراز، مجلس سخنرانی تشکیل داده و در این مجلس که جمعی از سران محلات شیراز و اصناف و

بازاریان و یکی، دو نفر روحانیون حضور داشته‌اند؛ می‌گویند که فارس را باید فارسیان اداره کنند... [قهرمانی ابیوردی، ۴۰۳]

پیتراوری نیز عقیده دارد که رجال شیراز، سهیم در قیام فارس بوده‌اند! [آوری، ۲۹۸] بوشهری در ادامه نوشته است «ناصرخان پس از آن که مقداری تفنگ و فشنگ بین سران محلی شیراز، از جمله محمد ده بزرگی، تقسیم کرد؛ در روز پنجشنبه ۲۸ شهریور نیز دعوتی از معاریف شهر نمود... در چنار راهدار... برای مذاکره درباره‌ی اوضاع فارس حاضر شوند.» [نورزاده بوشهری، ۱۰] وی ادامه می‌دهد «...ناصرخان، چند کامیون در اختیار محمد ده بزرگی و حاج خان سردزکی و پسران اسکندر و حاج ملاعلی سیف گذاشت.» [همان، ۱۱]

بوشهری می‌نویسد «... عده‌ای از معاریف شهر، از جمله سیدمحمد رضوی و محمدحسن بهبهانی و محمدعلی بهبهانی و نمایندگان طبقات شهر، در آق‌چشمه، به ملاقات ناصرخان رفتند و پس از مذاکرات با ایشان، به‌دستور ناصرخان، به ستاد لشکر رفته و به فرمانده نیرو اظهار داشتند که ما راضی نیستیم نظامیان از شهر دفاع کنند و باید اسلحه به سران نهضت داد که ایشان از جان و مال ما دفاع کنند...» [همان، ۴۰]

خوانین بوشهر، حیات داودی‌ها - به ریاست فتح‌الله حیات داودی - و تنگستانی‌ها - به ریاست رییسعلی تنگستانی - همراه و همگام سران ایل قشقایی، در نهضت فارس حضور داشتند و هم آنان در تصرف شهر بوشهر، نقشی مهم ایفا نموده‌اند. «... افراد چریک مسلح لیراوی در قریه‌ی شاه عبدالله، برای جلوگیری از رسیدن قوای دولتی از اهواز به جنوب، در این قریه متمرکز شدند و اشرار حیات داودی و لیراوی، برای جلوگیری از ورود احتمالی قوای امدادی بهبهان، پل رودخانه‌ی زهره را که شرکت نفت جنوب ساخته بود با موافقت

انگلیسی‌ها خراب کردند و به پاسگاه و تلفن‌خانه‌ی دهکده‌ی بمونی‌آقا و ناحیه اطراف آن نیز حمله نمودند...» [نورزاده بوشهری، ۲۳ - ۲۱]

در سندی، در این زمینه آمده است: «... پس از سقوط بوشهر، اداره‌ی امور شهر مزبور و بخش‌های وابسته آن، عملاً به‌دست آقایان رییسعلی تنگستانی، فتح‌اله حیات داودی و ملک‌منصور شبانکاره افتاده که به‌عنوان سران نهضت بوشهر در امور دخالت می‌نمایند...» [سازمان اسناد ملی] در سند دیگری آمده است «... ادارات دولتی به تصرف عده‌ای تفنگچی سوار رییسعلی تنگستانی به امر حیات داودی می‌باشد... رییسعلی تنگستانی به امر حیات داودی، رییس شهرداری بوشهر شده [است]...» [همان]

مطلب دیگری در مورد عاملان سقوط بوشهر موجود است: «... گویند، در سقوط بوشهر، زارعی و طیب دو نفر از بوشهری‌ها که خود را میانجی‌گر معرفی کرده بودند، دست داشته‌اند و این دو نفر، آتش‌بیار عشایر بوده‌اند.» [تهران مصور]

علما و روحانیان فارس، از دیگر عاملان و صاحب‌نفوذان در نهضت جنوب بوده‌اند. اعزاز نیک‌پی در خاطرات خود می‌نویسد «... پس از عبور از موانع و گذشتن از دربندها، وارد سراپرده‌ی ناصرخان قشقایی شدیم... تازه جای صرف شده بود که صدای اتومبیل‌ها و بوق اتوبوس‌ها و مهممه، از بیرون چادر بلند شد و معلوم بود جمعی از اهالی شهر، از آن جمله چند نفر از علمای معروف مانند آیت‌الله رضوی و آقا سید نورالدین، برای پشتیبانی از نهضت جنوب و تقویت از رؤسای عشایر، که قوه‌ی مجریه و گرداننده‌ی آن نمایش بودند؛ به اینجا آمده‌اند تا احساسات خود را تحویل ما بدهند...» [نیک‌پی، ۷ - ۱۲۶]

بدنیست که خوانندگان عزیز را به فعالیت‌های محرمانه‌ای که در شهر شیراز،





برای طبیعی بودن پیام فارس جریان داشت متوجه سازم... مرحوم حاج سید محمدباقر دستغیب، که مردی معمم و روحانی بود... به علت نفوذی که در دستگاه‌های دولتی داشت، ارباب حاجت، هرکاری داشتند به او متوسل می‌شدند... با این ترتیب صلاح در این دیده می‌شود که از نفوذ و شهرت آقای سیدمحمد باقر دستغیب، در جریان نهضت فارس، حداکثر

استفاده به عمل آید. از این‌رو، جمعی از خیراندیشان، طی مذاکرات مفصلی که با وی نمودند او را راضی ساختند که رهبری نهضت فارس را، قبول کند و چون پای استقلال مملکت در میان بود؛ او هم با کمال میل، این پیشنهاد را پذیرفت و علناً جلسات مذاکره و مشاوره درباره‌ی فعالیت‌های نهضت فارس، در منزل او مرتب تشکیل می‌شد. [شفیعی ۴-۹۳]

وی در ادامه می‌نویسد «گردانندگان اصلی این نهضت در آن موقع، علاوه بر قشقایی‌ها، آقایان محمدحسین استخر مدیر روزنامه‌ی استخر و سیدمحمدتقی گلستان - مدیر روزنامه‌ی گلستان - حاج محمدحسن دستغیب و علی محمد دهقان و حاج‌علی هوایی - صراف معروف شیراز و جمعی دیگر از سران قوم بودند.» [همان، ۹۴] بوشهری نیز می‌نویسد «در این جلسه [جلسه‌ی چنار راهدار در تاریخ ۱۳۲۵/۷/۲۹]، آقایان سیدمحمد رضوی و عبدالله امام صمدانی و محی‌الدین مزارعی و ابن‌یوسف و حاج‌محمدحسن خان بهبهانی و محمدعلی خان بهبهانی و غلامحسین

مهدب و سیدمحمدباقر دستغیب و اعظ و ابوالحسن رضوی و مدیران جراید گلستان و استخر و جمعی از معاریف شهر و رضا حکمت - سردار فاخر (که قبلاً نیز در ملوس جان بیضاء ناصرخان را ملاقات کرده و پیام محرمانه‌ی جناب اشرف را به ایشان رسانیده بود)، به اتفاق عمادالسلطنه فاطمی، استاندار وقت - در این جلسه حضور داشتند.» [نورزاده‌ی بوشهری، ۱۱]

در تلگرافی که علمای فارس به نخست‌وزیر در قبول مستدعیات سران نهضت فرستادند، اسامی این افراد در پایان آمده است: محمد رضوی - محمدجعفر علوی - ابوالفضل شریف محلاتی - ابوالقاسم فقیه ارسنجانی - علی‌اکبر ارسنجانی و بهاء‌الدین محلاتی. [همان، ۱۳ - ۱۲]

همین نویسنده در مورد اقدامات دیگر روحانیان فارس، نوشته است «مدیران جراید استخر و گلستان، هم‌چنین سیدمحمدباقر دستغیب و عبدالله امام صمدانی، با حضور جمعی از مردم، علیه دولت سخنرانی کردند و مردم را تشجیع می‌کردند که زیربار مأمورین دولتی نروند و فرزندان خود را از سربازخانه بیرون بیاورند.» [همان، ۱۳]

در خاتمه باید گفت که نورزاده‌ی بوشهری، رهبران نهضت جنوب را به دو دسته تقسیم نموده است. هیئت عامله و کارگردانان نهضت به دو دسته بودند. یک دسته از روی بیم و اجبار قبول عضویت در این نهضت کرده بودند، دسته‌ی دیگر به امید رسیدن به وکالت و نمایندگی مجلس شورای ملی یا فرمانداری و یا به ریاست شهرداری و غیره به وسیله‌ی بسط قدرت سران قشقایی، قبول عضویت هیئت‌رئیس‌ه‌ی نهضت نمودند که از جمله، ابوالحسن رضوی و محمدحسن خان بهبهانی و امام صمدانی و حاج‌محمدباقر واعظ دستغیب و غلامحسین مهدب و غلامرضا حکیمی

و مدیران جراید گلستان و استخر و سروان ذال‌پور و غیره بودند.» [همان، ۶-۵۵] منظور بوشهری از رهبران دسته‌ی اول، سران ایل عرب و باصری را در برمی‌گیرد که خسروخان قشقایی با دستگیری و زندانی کردن محمدضرغامی - رئیس ایل باصری - اتحاد آنان را در نهضت فارس به دست آورد.

منابع

۱. ابراهامیان، یرواند. ایران بین دو انقلاب. ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشرنی. ۱۳۷۷.
۲. آوری، پیتر. تاریخ معاصر ایران از تأسیس سلسله‌ی پهلوی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲. ترجمه: محمد رفیعی مهرآبادی. تهران: انتشارات تاریخ معاصر ایران. بی‌تا.
۳. ابوترابیان، حسین. مطبوعات ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶. به‌انضمام احزاب سیاسی ایران بعد از شهریور ۱۳۲۰. سیری در قوانین مطبوعات ایران از صدر مشروطه تا زمان حال. تهران: انتشارات اطلاعات. ۱۳۶۶.
۴. پسیان، نجفقلی و خسرو معتضد. معماران عصر پهلوی. تهران: انتشارات ثالث و آتیه. ۱۳۷۹.
۵. تقدیر یا تدبیر. خاطرات اعزاز نیکبئی. تهران: انتشارات ابن‌سینا. ۱۳۴۷.
۶. جامی، ن. گذشته چراغ راه آینده است. تهران: انتشارات ققنوس. ۱۳۶۲.
۷. رزمجویی، محمدکرم. نبرد گجستان. تهران: نشر کارنگ. ۱۳۷۸.
۸. شفیع، امیرولی‌اله. اسراری از سیاست‌های پشت پرده در ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا نیمه اول ۱۳۲۶. جلد اول. تهران: چاپ حرمی. آذرماه ۱۳۴۰.
۹. صفایی، ابراهیم. زندگی‌نامه‌ی سپهبدزاهدی. تهران: انتشارات علمی. ۱۳۷۳.
۱۰. طلوعی، محمود. پدروپسر: ناگفته‌ها از زندگی و روزگار پهلوی‌ها. تهران: نشر علم. ۱۳۷۲.
۱۱. عاقلی، باقر. نخست‌وزیران ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی. تهران: سازمان انتشارات جاویدان. ۱۳۷۹.
۱۲. قهرمانی ابیوردی، مظفر. تاریخ وقایع عشایری فارس. تهران: انتشارات علمی. ۱۳۷۳.
۱۳. گزارش‌های محرمانه شهرداری (۲۶ - ۱۳۲۴). به‌کوشش مجید تفرشی، محمودظاهر احمدی. تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران. ۱۳۷۱.
۱۴. نجاتی، غلامرضا. جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲. تهران: شرکت سهامی انتشار. ۱۳۷۳.